



ارائه روشی برای سنجش قدرت کنشگران تولید فضای شهری (پیشنهاد معیارها و شاخص‌های سنجش قدرت کنشگران)

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۶ | تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۶/۳۱

نیر فارابی اصل

دانشجوی دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران. n.farabiasl@gmail.com

مجتبی رفیعیان

استاد دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
raftei_m@modares.ac.ir

سیدمحمدرضا خطیبی

استادیار گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، واحد قزوین، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.
khatibimohammadreza@gmail.com

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: تولید فضای شهری، مفهومی پیچیده است که توسط اندیشمندان مختلف از زوایای گوناگون موردبررسی قرار گرفته است. قدرت یکی از اصلی‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار بر تولید فضاهای شهری است. این پژوهش به دنبال تعیین معیارها و شاخص‌ها و ارائه روشی برای سنجش قدرت کنشگران تولید فضاهای شهری است. روش پژوهش پژوهش حاضر با توجه به هدف تحقیق، بنیادی و با توجه به پرسش تحقیق، توصیفی-اکتشافی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش اسنادی و مصاحبه نیمه ساخت‌یافته استفاده شده است. نمونه‌گیری برای دستیابی به خبرگان موضوع، با استفاده از روش گلوله برفی انجام شده است. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل شبکه و نرم افزار SuperDecision استفاده شده است.

جامعه آماری: در این پژوهش از جامعه متخصصین حوزه شهرسازی و مسئولین و کارشناسان اجرایی در بخش دولتی و نیمه دولتی و خصوصی (۳۰ نفر) انجام شده است.

یافته‌ها: معیارها و شاخص‌هایی برای سنجش قدرت کنشگران تولید فضای شهری شناسایی شده و با تحلیل شبکه، وزن هر کدام بدست آمده است و روشی برای اندازه‌گیری میزان قدرت کنشگران در قالب جدول امتیازگذاری شده، تدوین گردیده است.

نتیجه‌گیری: این پژوهش در راستای توسعه روش‌شناسی تحلیل‌های روابط قدرت کنشگران تولید فضای شهری انجام شد. با توجه به نتایج بدست آمده، معیار دسترسی به منابع قدرت دارای بیشترین وزن در بین معیارهای قدرت کنشگران است و معیارهای میزان تأثیرگذاری در فضا و میزان مشارکت و حضور در فضا، در رده بعدی اهمیت قرار دارند.

واژگان کلیدی: قدرت، کنشگران، معیارها و شاخص‌ها، سنجش قدرت

مقدمه

شهرها، پویا و در حال تحول و دگرذیسی هستند و فضاهای شهری یک ورودی بسیار مفید برای درک و مدیریت چالش‌های پیچیده در حال ظهور برای شهرها و شهرنشینی به ما ارائه می‌دهند. همان‌طور که دکتر جوان کلو، مدیر یو ان هبیتات^۱ نیز مشاهده نموده و مورد تأکید قرار داده است، اگر ما نتوانیم یک سیستم سالم از فضای عمومی در شهر ارائه دهیم، در مورد اینکه آیا ما یک شهر خواهیم داشت، شک و تردید وجود دارد (Haas & W. Mehaffy, 2019). تولید فضای شهری، مفهومی پیچیده و چندوجهی است که رویکردها و تفاسیر گوناگونی در مورد آن مطرح شده است. «تولید فضا» را می‌توان مجموعه‌ای از فرایندها و اقدامات فردی و گروهی انسانی نظیر تصمیم‌گیری، مشارکت در کنترل و مالکیت شهری، مشارکت در ایجاد سرزندگی در شهر، و مشارکت در تولید فضای فیزیکی دانست. همان‌طور که اندیشمندان مختلفی از جمله لوفور و هاروی در مورد تولید فضای شهری مورد تأکید قرار داده‌اند پیامدهای آنچه در امروز در شهرها رقم زده می‌شود؛ کاسته شدن از ارزش مصرفی یا استفاده‌ای فضاهای شهری و افزوده شدن به ارزش مبادله‌ای آن‌هاست و یا به عبارتی فضاهای شهری تبدیل به کالا شده‌اند (Lefebvre, 2000; Harvey, 2008). کالایی شدن فضاهای شهری، منافع فردی را با توسعه شهر گره زده است؛ از این‌روست که پیکر شهرهای معاصر، شاهد مغلوب شدن منافع عمومی در برابر منافع خصوصی و یا به عبارتی دچار فقدان تعادل در توزیع قدرت در شهرها شده است. از این‌رو ضروری به نظر می‌رسد که برای تحلیل بهتر و برنامه‌ریزی اثرگذارتر، قدرت کنشگران تولید فضای شهری موردسنجش قرار گیرد.

اهمیت و هدف پژوهش

برای انجام این سنجش قدرت کنشگران تولید فضا، به معیارها و شاخص‌ها و روشی علمی نیاز است. هدف این پژوهش شناسایی و معرفی این معیارها و شاخص‌ها و سنجه‌هایی برای سنجش میزان قدرت کنشگران در تولید فضای شهری و به عبارتی مشارکت در روش‌شناسی انجام این سنجش است.

ادبیات پژوهش

قدرت در برنامه‌ریزی شهری

در طول پنج دهه گذشته همواره مفهوم قدرت^۲ در ارتباط با مفاهیم گوناگونی مطرح شده است. محققان و

اندیشمندان، هریک در معرفی و تحلیل جنبه یا جنبه‌هایی از این مفهوم کوشیده‌اند. قدرت یکی از مهم‌ترین و متضادترین مفاهیم در علوم اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و در کل شهری است، مفهومی چالش‌برانگیز و همچنین یکی از رایج‌ترین و مبهم‌ترین نظریات است که به‌صورت روزبه‌روز در زمان‌ها و مکان‌های مختلف به صور گوناگون درک می‌شود. نظریه‌پردازان برجسته‌ای همچون پارسونز^۳ وبر، لوکس^۴، گیدنز^۵، فوکو^۶، کلگ^۷ و موریس^۸ در حوزه قدرت دیدگاه‌های خود را مطرح نموده‌اند. قدرت، به‌طور عام، با یک حوزه فعالیت مرتبط است. برای بررسی قدرت در حوزه برنامه‌ریزی شهری و تولید فضای شهری، باید با زاویه دید خاصی، دیدگاه‌ها و مفاهیم مطرح‌شده قدرت را در این موضوع بررسی نمود. (برای مطالعه بیشتر ر.ک (هودسنی، ۱۳۹۴؛ فارابی اصل، ۱۴۰۰) از سوی برنامه ریزان شهری در حوزه قدرت، نظریه‌های متنوعی تاکنون ارائه شده است که هرکدام با ذریعین خاص خود به بررسی مسئله قدرت پرداخته‌اند. از جمله پرچم‌داران اصلی و چهره‌های بنام در حوزه قدرت، فیلسوف بزرگ، میشل فوکو هست که بحث‌های مفصلی در مورد قدرت داشته و افراد بسیاری از نظرات ایشان بهره گرفته‌اند، البته فوکو، چرخش‌های فراوانی در دیدگاه‌های خود در طی سال‌های پژوهشی خود داشته است که ناشی از انعطاف‌پذیری کم‌نظیری است که بخشی از شخصیت فوق‌العاده جالب و عجیب این اندیشمند می‌باشد. البته قدرتی که فوکو از آن سخن می‌گوید حوزه‌ها و رشته‌های وسیعی را در برمی‌گیرد و صرفاً مختص قدرت در برنامه‌ریزی شهری نیست و همچنین نقیصی که در این بین وجود دارد این است که فوکو شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری و سنجش قدرت در اختیار قرار نداده است. اگر مدنظر باشد که به‌صورت خاص‌تر، قدرت در برنامه‌ریزی شهری صحبت شود، باید ابتدا از جان فریدمن سخن به میان آید. جان فریدمن از جمله اولین کسانی است که بحث قدرت را در برنامه‌ریزی شهری مطرح نموده و به مسئله توزیع قدرت در جامعه و کنشگران و ذی‌نفعان پرداخته است و بعد از او تاکنون اندیشمندان و پژوهشگران بسیاری در دنیا به بحث قدرت توجه نموده و حتی رشته‌های دانشگاهی جدیدی نیز در عصر معاصر در دانشگاه‌های معتبر جهان برای بحث قدرت با عناوین مختلف ایجاد شده است.

این پژوهش با تأکید بر حضور قدرت به‌صورت فراگیر در جامعه (همان‌گونه که فوکو مطرح نموده)

می‌تواند در همه ساختارهای شهر پیشرفت کند (Mashhadi Moghadam, Rafieian, 2019).

مفهوم مدنظر از «قدرت» در این پژوهش، یک اثرگذاری سیال است که در قالب مناسبات و روابط در میان کنشگران با استفاده از میانجی‌هایی به جریان می‌افتد و به‌صورت شبکه‌ای تولید و بازتولید می‌گردد. این اثرگذاری یا همان «قدرت»، ذاتی و وابسته به شخص نیست؛ چراکه متناسب با هر موضوع، میزان قدرت هر شخص تغییر می‌کند. یک کنشگر قدرتمند در یک موضوع، می‌تواند در یک موضوع دیگر کاملاً کم قدرت باشد (فارابی اصل و همکاران، ۱۴۰۰). دسترسی به قدرت و یا ابزار برای اعمال قدرت (منابع قدرت) اغلب متغیر است و نه پایدار (Parent & Deephouse, 2007)، بنابراین در رابطه با کنشگران، مهم است که به‌طور مداوم از روابط قدرت بین کنشگران مطلع و آگاه بود. در این رابطه، منبع قدرت یکی از آیتم‌های اصلی تأثیرگذار است؛ منبع قدرت، ابزار، روش یا شیوه‌ای است که صاحب قدرت به‌وسیله‌ی آن، اراده‌ی خود و خواسته‌ی خود را اعمال می‌دارد و بر دیگران مستقیم یا غیرمستقیم تحمیل می‌نماید. آنچه قابل توجه و تأمل است این است که کارایی هر منبع قدرت به شرایط زمانی و مکانی بستگی دارد، و از همه مهم‌تر اینکه منابع قدرت در طول زمان تغییر می‌کنند. (برای مطالعه بیشتر در این مبحث ر. ک (فارابی اصل، ۱۴۰۰))

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به هدف تحقیق، بنیادی بوده و با توجه به پرسش تحقیق، توصیفی-اکتشافی است. برای جمع‌آوری داده‌ها از روش اسنادی با بررسی منابع و همچنین مصاحبه نیمه ساخت‌یافته با خبرگان موضوع استفاده شده است. نمونه‌گیری پژوهش برای دستیابی به خبرگان موضوع، با استفاده از روش گلوله برفی از جامعه متخصصین حوزه شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری و مسئولین و کارشناسان اجرایی در بخش دولتی و نیمه‌دولتی و خصوصی شامل ۳۰ نفر انجام شده است. این

و به شکل جاری در شبکه‌ای از روابط افراد، گروه‌ها، نهادها، معتقد است برای رسیدن به برداشت و تحلیلی نزدیک به واقعیت و غیر انتزاعی، باید به بررسی و تحلیل قدرت به‌ویژه در حوزه کنشگران تولید فضای شهری با بهره‌گیری از شاخص‌ها و سنجه‌هایی ملموس و قابل عملیاتی شدن پرداخت. چرا که یک کنشگر هم به‌صورت عام و به لحاظ داشتن سرمایه‌های مختلف دارای قدرت بوده و هم در نسبت با سایر کنشگران در موقعیت‌های گوناگون، درجات مختلفی از قدرت را صاحب می‌شود (موسویان شریف‌زاده، ۱۳۹۲، ۱۲۴).

رابطه قدرت و فضا در شهر

قدرت ممکن است پدیده دشواری برای مشاهده باشد، اما خود را در فضا و از طریق آن عیان می‌سازد؛ به عبارت دیگر قدرت از طریق فضا و به‌واسطه آن بر انسان‌ها اعمال می‌شود و از طریق طبقه‌بندی افراد و دادن ویژگی‌هایی به آن‌ها برحسب سن، جنس، نژاد، قومیت، طبقه و غیره آن‌ها را در فضاهای معین توزیع می‌کند و با این ابزار به کنترل اعمال و رفتارهای افراد می‌پردازد و در نتیجه بدین شکل، فضا وسیله‌ای برای کنترل و در نتیجه سلطه و قدرت می‌شود. علاوه بر این در نظریه‌های اجتماعی جدید، فضا یک داده از پیش موجود نیست، بلکه همان‌گونه که لوفبور بیان داشته است توسط جامعه تولید می‌شود و از این رو باید در یک رابطه دیالکتیکی با کنشگران اجتماعی در نظر گرفته شود. در واقع بین فضا و جامعه یک رابطه متقابل و دوسویه وجود دارد؛ یعنی از یکسو این اجتماع انسانی است که به فضا شکل می‌دهد و آن را مطابق با نیازهای خود تغییر می‌دهد و از دیگر سو ویژگی‌های یک فضا و امکانات آن، نحوه بهره‌برداری و نوع فعالیت‌های انسان را تعیین می‌کند (ر. ک به لوفبور، ۱۹۹۱). عامل قدرت را می‌توان یکی از اصلی‌ترین فاکتورهای تأثیرگذار بر ساختار شهر و فضاهای شهری و به عبارتی تأثیرگذار بر تولید و بازتولید فضاها در شهر دانست. قدرت، قلمرو فضای شهری معاصر را کنترل و رهبری می‌کند. قدرت



شکل ۱: مراحل انجام پژوهش

ارسالی توسط خبرگان و بررسی نظرات آنها و با توجه به درصد پاسخ‌گویی، ۳ معیار و ۱ شاخص انتخاب شدند معیارهای اندازه‌گیری قدرت کنشگران تأثیرگذار در تولید فضای شهری به شرح ذیل حاصل گردید که توضیح مختصری در مورد هر معیار در اینجا ارائه می‌گردد.

معیارهای سنجش قدرت کنشگران در تولید فضا

معیار ۱: دسترسی به منابع قدرت

در بررسی قدرت و روابط قدرت کنشگران در شهر، یکی از عامل‌های اصلی مطرح‌شده اندیشمندان مختلف از جمله آنتونی گیدنز، منابع هستند. منابع، تسهیلاتی هستند که کنشگران جهت انجام امور از آنها استفاده می‌کنند. گیدنز منابع را شامل چیزهایی می‌داند که قدرت را به وجود می‌آورد. قدرت آن‌گونه که بسیاری از نظریه‌های اجتماعی تلقی می‌کنند، یک منبع نیست، بلکه بیشتر بسیج دیگر منابع است که به کنشگران، قدرت انجام امور را می‌دهد. بنابراین قدرت لازمه وجود بسیاری از ساختارهاست: وقتی کنشگران تعامل می‌کنند از منابع استفاده می‌کنند و وقتی از منابع استفاده می‌کنند، کنش دیگران را شکل می‌دهند (ترنز، ۲۰۰۳، ۴۷۸).

به عبارتی می‌توان گفت منبع قدرت، ابزار، روش یا شیوه‌ای است که صاحب قدرت به‌وسیله‌ی آن، اراده‌ی خود و خواسته‌ی خود را اعمال می‌دارد و بر دیگران

مصاحبه‌ها به اقتضای شرایط و تمایل مصاحبه‌شوندگان برخی به‌صورت حضوری، برخی به‌صورت تلفنی و تعدادی از طریق اینترنتی (اسکایپ و واتساپ) انجام‌شده است. در این مطالعه معیارهای مؤثر در سنجش میزان قدرت کنشگران تولید فضای استخراج‌شده از بررسی منابع، با استفاده از تکنیک دلفی و نظرات خبرگان (۳۰ نفر)، تعیین شد. سپس برای وزن دهی و اولویت‌بندی این معیارها از تحلیل شبکه (ANP) استفاده شد. امتیازهای داده‌شده به هر معیار و شاخص توسط متخصصان (بر اساس امتیازدهی آقای ساعتی)، وارد نرم‌افزار سوپر دسیژن (SuperDecision) شده و وزن نهایی معیارها و شاخص‌ها به دست آمد. شکل (۱) مراحل انجام پژوهش را نشان می‌دهد.

یافته‌های پژوهش

معیارها و شاخص‌های سنجش قدرت کنشگران

برای انجام پژوهش، یعنی دست‌یابی به روشی برای سنجش قدرت کنشگران تولید فضای شهری، ابتدا باید معیارها و شاخص‌هایی برای این سنجش تعیین نمود. معیارها و شاخص‌های تولید قدرت کنشگران با بررسی اسنادی و همچنین از طریق مصاحبه توسط تعدادی از متخصصان و صاحب‌نظران، تدوین‌شده و مورد تدقیق و ارزش‌گذاری قرار گرفت. از این‌رو با تکمیل پرسشنامه

می‌آید و همچنین از دست می‌رود. پتسی هبلی نیز به اهمیت و نقش منابع قدرت اشاره نموده و در بیان پیچیدگی این مسئله بیان می‌دارد که حکومت‌ها نقش‌آفرینی نمی‌کنند، ایفاکنندگان نقش‌های گوناگون حکومتی، از منابع مختلف و جریان‌هایی بهره می‌جویند که در آنان، ادراک، امور اخلاقی، ایثار و حس مسئولیت را به وجود می‌آورند. مباحثی که به نام قوانین و بیانیه‌ها توسط جریان حاکمیت ارائه می‌شود توسط قدرت مقبولی از بین خود آن‌ها به اجرا درمی‌آید.

کلگ (۱۳۸۳) و هیندس (۱۹۸۲) مطرح نموده‌اند که روابط اجتماعی موجود، هویت عاملان (چه به صورت افراد یا مراکز جمعی تصمیم‌گیری و کنش) را می‌سازند و قدرت علی‌عاملان توسط سازمان شرایط پایا تحقق می‌یابد. این مهم نیازمند آن است تا عاملانی که به قول هیندس (۱۹۸۲، ۵۰۱) در «عرصه‌های مبارزه» هستند بتوانند از ابزارها جهت کنترل منابعی که برای میدان عمل شان نتایج مهمی دارند استفاده کنند. دودینگ (دودینگ، ۱۳۸۰، ۸۷-۹۳)، کوپر (حقیقت، ۱۳۸۱، ۱۲۸ به نقل از Kupper, 1996)، فرنچ و روان، (لطیفی، ۱۳۸۷، ۳۵)، کاظمیان، (۱۳۸۳، ۹۴)، (کاظمیان و جلیلی، ۱۳۹۴، ۱۴۲) منابع قدرت ذی‌نفعان و کنشگران در شهر را مطرح نموده‌اند.

معیار ۲: میزان تأثیرگذاری در فضا

اولین جزء که به‌طور در ادبیات و عمل به رسمیت شناخته شده، تمایز ذینفعان بر اساس اهمیت است. اهمیت ذینفعان میزان شرکت ذینفعان در تصمیم‌گیری و به عبارتی تأثیرگذاری آن‌هاست (Mitchell et al., 1997). مشارکت بسیاری از کنشگران در فرآیند تولید و بازتولید فضا، منجر به ایجاد شبکه‌های جدید می‌شود. شبکه‌ها الگوهای روابط اجتماعی بین کنشگران متقابل هستند که هماهنگ می‌شوند. در اینجا، شبکه‌های فردی کنشگران، می‌توانند از طریق ایجاد یک شبکه جدید متشکل از کنشگران از هر شبکه فردی، با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. یک نمونه ساده می‌تواند یک شبکه از تجار باشد، شبکه‌ای که منافع محیطی را دربرمی‌گیرد و یا شبکه مسئولان شهرداری‌ها، کنشگران مختلف، شبکه‌هایی را باهم ایجاد می‌کند و به تدریج اتصال یک کنشگر از یک شبکه به کنشگری از شبکه دیگر به دلایلی از جمله منافع مشترک یا اهداف و انگیزه مشترک، ایجاد شبکه‌های جدیدی می‌کند. این کنشگران با شبکه‌های مختلف با قدرت تأثیرگذاری مختلف و

مستقیم یا غیرمستقیم تحمیل می‌نماید. آنچه قابل توجه و تأمل است این است که کارایی هر منبع قدرت به شرایط زمانی و مکانی بستگی دارد، و از همه مهم‌تر اینکه منابع قدرت در طول زمان تغییر می‌کنند. میشل فوکو نیز با تأکید بر نقش و اهمیت منابع قدرت، استدلال می‌کند، قدرت نه تنها در انرژی و موقعیت افراد با فرماندهی بر قوانین و منابع خاص تجسم می‌یابد، بلکه به شکلی صورت می‌گیرد که افراد از شیوه‌های مناسب تفکر و عمل در گفتمان‌ها و روش‌های روزمره خود بهره می‌گیرند.

در حوزه توزیع قدرت در جامعه، جان فریدمن (از نظریه‌پردازان حوزه قدرت در برنامه‌ریزی شهری)، که قدرت را با چهار بعد دولت، اجتماع محلی سیاسی، اقتصاد شرکتی و جامعه مدنی معرفی کرده و ارتباط میان آن‌ها را به‌عنوان اساس شکل‌دهنده به قدرت بیان می‌نماید (Friedmann, 1992, 28)، فریدمن میزان دسترسی به منابع را به‌عنوان عامل تعیین‌کننده میزان قدرت افراد در مناسبات اجتماعی و دسترسی نامتوازن به این منابع موجب نابرابری می‌داند. و معتقد است بین قدرت دولت و سایر کنشگران ارتباط بدین صورت در جریان است که هر چه از قدرت سایر بازیگران اجتماعی کم می‌شود، بر نقش دولت افزوده می‌شود.

جین هیلیر (۱۳۸۸)، با تأکید بر عمل کارآمدتر برنامه‌ریزان در پرتو سایه -روشن نابرابری‌های قدرت مطرح می‌کند که سازمان‌دهندگان و تغییردهندگان محیط مصنوع، معمولاً نه «ما» بلکه «آن‌ها» هستند؛ «آن‌ها» گروهی در سایه و بی‌نام، که با اتکا بر فرآیندهای مبهم به ایفای نقش و تغییر محیط می‌پردازند. فرآیندهایی که باعث حذف و کنار گذاشته شدن تدریجی و نامحسوس گروه‌ها و منافع غیرمتشکل به نفع گروه‌ها و منافع مشترک و مسلط بر منابع قدرت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌شود.

هنگامی که یک ذینفع (کنشگر) دسترسی به ابزارهای اجباری، سودمند یا هنجاری داشته باشد، می‌تواند اصول خود را بر روابط خود با یک سازمان (Etzioni, 1964) تحمیل کند. از این رو دسترسی به قدرت و یا ابزار برای اعمال قدرت (به عبارتی منابع قدرت) اغلب متغیر هستند و در حالت پایدار نیستند (Parent & Deephouse, 2007). قدرت در طول زمان به دست

شاخص‌ها از طریق مصاحبه‌های انجام‌شده با نخبگان موضوع که در مرحله قبل انجام‌شده و همچنین بررسی اسناد و منابع تدوین‌شده‌اند به منظور سنجش وضعیت هر کدام از شاخص از روش وزن دهی ANP استفاده می‌شود.

شاخص‌های معیار ۱ (دسترسی به منابع قدرت)

دسترسی به منابع قدرت را از می‌توان از دو بعد رسمی و غیررسمی بررسی نمود.

۱) ۱- منابع رسمی یا قانونی، منابعی هستند که از طریق عرف و مراجع رسمی تأیید و تصویب می‌شود نظیر قوانین، ضوابط، اسناد رسمی، موقعیت و سلسله‌مراتب.

۲) ۲- منابع غیررسمی، منابعی هستند که در عرف وجود ندارند ولی به طرق غیررسمی و در اثر عوامل مختلف به وجود می‌آیند مانند شبکه‌های اجتماعی، موقعیت کنشگر در شبکه، پایگاه اجتماعی، میزان شهرت و فرهمنندی، قدرت شخصی، رانت، لابی. از بعد رسمی، می‌توان دو شاخص برای دسترسی به منابع قدرت لحاظ نمود که عبارت‌اند از:

شاخص ۱: میزان دسترسی به مراجع قانون‌گذاری: برای سنجش این شاخص می‌توان از سنجهی «جایگاه در نظام یا سیستم قانون‌گذاری» بهره گرفت.

شاخص ۲: میزان دسترسی به مراجع تصویب: برای سنجش این شاخص می‌توان از سنجهی «جایگاه در نظام یا سیستم تصویب» بهره گرفت.

از بعد غیررسمی، می‌توان سه شاخص برای دسترسی به منابع قدرت لحاظ نمود که عبارت‌اند از:

شاخص ۱: میزان لابی‌گری

شاخص ۲: دسترسی به رانت^۱ اطلاعاتی

در زمینه تولید فضای شهری، یکی از منابع قدرت کنشگران، رانت است که انواع مختلفی را شامل می‌شود. رانت از جمله منابع قدرتی است که کنشگران مختلف در شهر با بهره‌گیری از انواع مختلف رانت^۱، به تولید و بازتولید فضاهای شهری می‌پردازند. تئوری رانت، دست‌کم به شکل غیررسمی، به‌دفعات برای تقسیم فضای شهری به مناطق مورد استفاده طبقات یا گروه‌های اجتماعی به‌کاررفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که چگونه عناصر حقوق مالکیت و رانت انحصاری برای شکل

اقدامات آن‌ها، مانند یک جسمی که در آب پرتاب می‌شود و اثرات مختلفی به‌صورت مجموع اثرات تولیدکننده‌ی آن به وجود می‌آورد، باعث تولید و بازتولید فضاها در شهر می‌شود. کنشگران مختلف می‌توانند اهداف مشابهی داشته باشند، اما با انگیزه‌های مختلفی مواجه می‌شوند. برعکس، کنشگران ممکن است انگیزه‌های مشابه را به اشتراک بگذارند، در عین حال با اهداف متفاوت. به این ترتیب، درک این گروه‌های ذینفع به این صورت و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس آن، می‌تواند به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای اثربخشی اقدامات تعامل (Gasper & Apthorpe, 1996; McLaughlin, 2005) را افزایش دهد.

معیار ۳: میزان حضور یا مشارکت در فضا

کنشگران مختلف می‌توانند اهداف مشابهی داشته باشند، اما با انگیزه‌های مختلفی مواجه می‌شوند. برعکس، کنشگران ممکن است انگیزه‌های مشابه را به اشتراک بگذارند، در عین حال با اهداف متفاوت. به این ترتیب، درک این گروه‌های ذینفع به این صورت و طبقه‌بندی آن‌ها بر اساس آن، می‌تواند به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای اثربخشی اقدامات تعامل (Gasper & Apthorpe, 1996; McLaughlin, 2005) را افزایش دهد. جدول (۱) تعریف معیارهای ذکر شده را ارائه می‌دهد.

جدول ۱: تعاریف معیارهای سنجش قدرت

ردیف	معیار	تعریف
۱	منابع قدرت	ابزار، روش یا شیوه‌ای که صاحب قدرت به وسیله‌ی آن، اراده و خواسته‌ی خود را اعمال می‌دارد و بر دیگران مستقیم یا غیرمستقیم تحمیل می‌نماید.
۲	تأثیرگذاری در فضا	توانایی کنشگر در اثرگذاری بر تصمیم‌گیری‌ها یا تصمیم‌سازی‌ها و تغییرات در فضا
۳	حضور یا مشارکت در فضا	اقدام کنشگر در تولید و تغییر فضا

(نگارندگان، ۱۴۰۰)

شاخص‌های سنجش قدرت کنشگران تولید فضا

بعد از تعیین معیارهای قدرت کنشگران تولید فضا، در گام بعدی جهت سنجیدن و اندازه‌گیری این معیارها، نیاز است شاخص‌ها و سنجه‌های عملیاتی برای هر کدام از این معیارها، مشخص شود. هر کدام از این معیارها دارای ابعاد مختلفی هستند. این

دادن به فضای شهری، مدبرانه مورد استفاده قرار گرفته‌اند (ادل، ۱۳۸۰، ۱۳۷)^{۱۱}

شاخص ۳: قدرت چانه‌زنی (قدرت ادغام، عضوگیری، اقناع و بسیج)^{۱۲}

برای سنجش این شاخص می‌توان از سنجه‌ی «جایگاه در شبکه روابط اجتماعی موجود (شاخص مرکزیت-تعداد ارتباطات با سایر اعضای شبکه) بهره گرفت.

یک کنشگر- شبکه، به‌طور هم‌زمان یک کنشگر است که با فعالیت در آن شبکه، شبکه را می‌سازد و هم شبکه است که با عناصر ناهمگن قادر به تعریف و تبدیل آنچه که ساخته شده است می‌باشد (Callon, 1987: 93) به نقل از: (Cressman, 2009) به عبارتی می‌توان گفت شبکه‌ها، پیوندهایی ارتباطی‌اند که مردم از طریق آن‌ها می‌توانند به منابع مادی و همچنین دانش و قدرت دست پیدا کنند. نقش شبکه‌ها به‌عنوان شکلی از همکاری‌های متقابل در جامعه از مدت‌ها پیش مورد مطالعه قرار گرفته است (برای مثال، Burs-Taylor, 1997; Young and Wilmott, 1957; Gans, 1962; Stack, 1975) علاوه بر این، پژوهشگرانی چون امین و هوسنر (۱۹۹۷) و جوزف (۱۹۹۰ و ۱۹۹۷) بیش‌ازپیش متوجه این نکته شده‌اند. این شبکه‌ها به شکل‌های مختلفی شکل می‌گیرند، برخی از شبکه‌ها به‌طور رسمی شکل می‌گیرند، برخی دیگر غیررسمی و خودانگیخته‌اند و معطوف به بسیج کنشگران مختلف برپایه نیازهای واقعی یا گمانی هستند. کنشگران برحسب هم‌کنشی‌هایی که در مسائل خاص دارند، ممکن است به شبکه‌های خاصی تعلق داشته باشند (هیلیر، ۱۳۸۸: ۱۰۹). بدیهی است که غالباً انواع مختلفی از کنشگران، عقلانیت‌ها و شبکه‌ها با یکدیگر همزیستی می‌کنند برای درک پیچیدگی‌ها و اثرگذاری این شبکه‌ها، باید شکل و نوع و کیفیت این شبکه‌ها (از جمله استحکام پیوندها، شکل‌های مناسبات قدرت و جز این‌ها) را مورد توجه قرار دهیم (Hunter and Staggenborgr, 1988). هر کنشگر در این شبکه‌ها، بازنمون گروه خود را از موضوعات مختلف، مکان‌ها و طبیعت به همراه می‌آورد. اینکه کدام بازنمون، به بازنمون رایج تبدیل شوند، متکی به منازعه و مذاکره مشارکت‌کنندگان رسمی، لابی کردن و مانورهای رسمی و نظایر این‌هاست (هیلیر، ۱۳۸۸، ۱۱۴). در فعالیت‌های مختلف (از جمله مشارکت عمومی)، شماری از شبکه -

کنشگرهای متفاوت (شامل «کنشگران» غیرانسانی همچون وجوهی از طبیعت و میانجی‌های غیرانسانی بین کنشگران و شبکه همچون نوشته و پول) به‌صورت همپوش و هم‌ردیف با یکدیگر پیوند می‌خورند (Latour, 1992, Callon, 1986).

شاخص‌های معیار ۲ (میزان تأثیرگذاری در فضا)

این معیار را می‌توان در ۴ بعد «تهیه طرح»، «تصویب طرح»، «اجرای طرح» و «بعد از اجرای طرح» بررسی نمود.

در بعد تهیه طرح، شاخص «تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و مقررات» است که برای سنجش این شاخص می‌توان از سنجه‌ی «جایگاه در نظام یا سیستم تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و مقررات» بهره گرفت.

در بعد تصویب طرح، شاخص «وجود (یا عدم وجود) نماینده در مراجع قانونی» است که برای سنجش این شاخص می‌توان از سنجه‌ی «وجود نماینده در مراجع قانونی» بهره گرفت.

در بعد اجرای طرح: شاخص «وجود (یا عدم وجود) پیمانکار» است که برای سنجش این شاخص می‌توان از سنجه‌ی «وجود پیمانکار» بهره گرفت.

در بعد پس از اجرای طرح، شاخص «اعمال تغییرات در طرح مصوب» است که برای سنجش این شاخص می‌توان از سنجه‌ی «اعمال‌نوفذ یا توانایی ایجاد تغییرات در طرح مصوب در زمان اجرا» بهره گرفت.

کاربری زمین شهری یا به عبارتی نحوه مصرف زمین در شهر می‌توان گفت نوعی تولید فضا است که با توجه به نوع کاربری ابعاد مختلف اقتصادی اجتماعی فرهنگی و سیاسی در آن فضا مطرح می‌گردد. از این‌رو عواملی که در این نحوه مصرف زمین در شهر تغییراتی ایجاد می‌کنند باعث تغییر در فضا و به عبارتی بازتولید آن فضا می‌شوند. به عبارتی تغییرات کاربری زمین شهری از جمله موارد تأثیرگذار در بازتولید فضاهای شهری هست که در طی زمان و تحت تأثیر روابط قدرت مختلف رخ می‌دهد.

شاخص‌های معیار ۳ (میزان حضور یا مشارکت در فضا)

معیار حضور داشتن کنشگر در فضا را از دو بعد مالکیت و استفاده از فضا یا مصرف فضا می‌توان بررسی نمود:

۱- از بعد مالکیت، شاخص: میزان مالکیت

در حالی که روابط قدرت به شیوه‌های گوناگون قابل بروز هستند، نمود قلمرویی آن‌ها از اهمیت برخوردار است، به‌ویژه در رابطه با مالکیت زمین. در واقع، یک قلمرو، واحدی از فضای محدود و پرمعنی است که این‌گونه سازمان‌دهی شده تا دسترسی را سازمان‌دهی و تنظیم کند. قلمرو همچون نشانه‌ی ارتباطی برآیندی عمل می‌کند، به‌ویژه از طریق معانی‌ای که به مرزهای فضایی الصاق می‌کند. همان‌گونه که سک اشاره کرده، مرز « شاید تنها فرم نمادینی باشد که مسیر [حرکت] در فضا و حکمی درباره‌ی تملک یا محرومیت را ترکیب کرده است». روابط مالکیت ممکن است به شیوه‌هایی با درجات مختلف انحصاری بودن، استمرار زمانی و مرزبندی قلمروی شده باشند و به شیوه‌های بسیاری صورت‌بندی شوند و نه تنها برای افراد، بلکه اجتماعات، یا دولت اولویت قائل شوند. حقوق مالکیت خصوصی روابط قدرت را به شیوه‌های خاصی سازمان‌دهی می‌کند (بلاملی، ۱۳۹۷). تأثیر قدرت بر فضای شهری و کنترل زندگی روزمره قلمرو تعریف‌شده، گاه حتی فراتر از شهر بوده و قلمرو سرزمینی را نیز شامل می‌گردد. قلمرو سرزمینی را می‌توان نوعی قدرت خاص توصیف کرد که از فضا به‌عنوان واسطه خود استفاده می‌کند. تولیدات سرزمینی چندلایه شامل دسترسی برای گروه‌ها و مصارف مختلف است (Kärholm, 2007). گالبرایت (۱۳۸۱) از سه منبعی^{۱۳} که برای قدرت مطرح می‌نماید مالکیت را شامل ثروت یا منابع طبیعی ذکر می‌کند (گالبرایت، ۱۳۸۱، ۱۱-۱۲).

برای سنجش شاخص میزان مالکیت می‌توان از سنج «درصد از فضای تولیدشده بر اساس منافع و اهداف یا مالکیت» استفاده نمود.

۲- از بعد استفاده از فضا یا مصرف فضا، شاخص: تغییر و

اختصاص دهی فضا به خود- استفاده از فضا انواع فضاهای اجتماعی که به‌واسطه عاملان اجتماعی ساخته و از جانب آنان مصرف می‌شوند، هم به تجربیات اجتماعی و کنش‌های متقابل آنان به‌عنوان هستی‌های اجتماعی^{۱۴} ساختار می‌بخشند، و هم به توانایی‌های آنان در شناخت خود به‌عنوان کنشگران اجتماعی و عاملان تغییر شکل می‌دهند. اما از سویی دیگر، در عین حال که فضا کنش‌ها و فعالیت‌های ما را محدود و متأثر می‌کند، عاملان اجتماعی نیز دست‌بسته و اسیر آن نبوده و امکان تردید در معانی مسلط بر فضا و تغییر آن‌ها را دارند، از جمله از طریق نوع مصرف و در کل کردارهایی که در

تقابل با اهداف گروه‌هایی در پیش می‌گیرند که با سازوکارهایی چون برنامه‌ریزی و طراحی قصد کنترل دسترسی به فضا و مصرف آن را دارند (زایلینچ، ۲۰۰۷). البته شایان ذکر است که فضا تنها شامل نقشه، برنامه و دانش معماری و شهرسازی نمی‌شود. همچنین فقط ایدئولوژی و قدرت را نیز در بر نمی‌گیرد. فضا، در مجموع، جایی است که ما در آن زندگی می‌کنیم و به شیوه خود آن را مصرف می‌کنیم. ذهن انسان اساساً با تلاش برای تحمیل معنای جهان از طریق استفاده از طبقه‌بندی شناختی و دسته‌بندی‌ها کار می‌کند (Rapoport, 1982)، در یک نگاه کلی می‌توان گفت نوع و میزان کنش‌گری افراد و امکان حضور در هر یک از سه فضا که از مؤلفه‌های ضروری تولید فضا هستند بسته به زمینه‌هایی که فضاهای مذکور فراهم می‌آورند، متفاوت است. به عبارتی وجوه تأثیرگذاری کاربران فضا در شهر در تولید فضای شهری عمدتاً با سه هدف و انگیزه رخ می‌دهد:

۱- مصرف فضا یا استفاده از فضا: این حوزه عملکرد فضا را نشان می‌دهد. در واقع کاربران فضا (شهروندان) از اقشار مختلف در راستای نیازهای خود، به فعالیت در فضا پرداخته و آن را مطابق نیاز خود تغییر داده و بازتولید می‌کنند که این بازتولید می‌تواند فیزیکی یا اجتماعی و یا ترکیبی از هر دو باشد. (به تعبیر لوفور)، از آن خودسازی فضا و اختصاص دهی^{۱۵} فضا به خود در قالب انجام انواع مختلف فعالیت‌ها در فضا، شامل نیازهای تفریحی، تعاملات اجتماعی، کسب درآمد اقتصادی، دینی، تبادل اطلاعات و مقاومت و مطالبه‌گری و.. که می‌توان این عامل را سهم فیزیکی شهروندان در تولید فضای شهری نامید.

سرزندگی فضای شهری و پتانسیل‌هایی که فضا داراست و به شهروندان عرضه می‌دارد. لوفور سرزندگی شهری را که حضور در فضا نمود و پدیدار آن است در قالب سه متغیر امنیت، ارتباطات و تفریح تشریح می‌کند. هر یک از مؤلفه‌های مذکور می‌توانند به‌گونه‌ای حضور افراد در فضا را متأثر کنند. امنیت فضایی و حضور دیگران حاضر در فضا که پیش‌نیاز شکل‌گیری روابط اجتماعی است، از جمله پیش‌شرط‌های حضور افراد در فضا و شکل‌گیری روابط درون فضایی است (Lefebvre, 1991). به نقل از (Sharepoor, 2013: 175-6) تمام فعالیت‌های گروه‌های مختلف بخشی از فرایند به خود اختصاص دادن است به نظر لوفور احساس تعلق و پیوستگی در یک دانش، حافظه، تجربه جنسیتی روزانه، به‌ویژه با استفاده

کردن ساخته می‌شود. اعمال روزانه‌ی به خود اختصاص دادن و باز به خود اختصاص دادن، با برخورد و رقابت افراد با مفهوم هم‌مونیک از شهروندی که فرد را به واسطه مفهوم کلی شهروند که تفاوت‌های فردی و گروهی را در قالب انسان نوعی پس می‌زند و در هر قلمرویی منفعل می‌سازد است (De Certeau, 1984: 146). فعالیت‌های مختلفی که فضا به‌عنوان بیان نیازهای مردم تسهیل می‌کند و سپس برای افراد معنی‌دار می‌شود، برای بازیگران مختلف معناهای مختلفی را تجسم می‌کند. بنابراین می‌توان فضا را تجربه کرد و همچنین می‌تواند بر رفتار افراد در استفاده از یک فضای تأثیر بگذارد. بنابراین عجیب نیست که بپذیریم که مردم می‌توانند در فضاها و مکان‌های مختلف واکنش متفاوتی نشان دهند بنابراین، در حالی که معانی مکان‌ها در محیط و فعالیت‌های بدنی آن‌ها ریشه دارد، خاصیت آن‌ها نیست، بلکه «اهداف و تجربیات انسانی» هستند (رف ۱۹۷۶: ۴۷). این روند تحت تأثیر طیف وسیعی از بازیگران دخیل در مدیریت فضا قرار دارد که دائماً بر نیاز، ایده، فرم، نظم و معنی در فضای شهری تأثیر می‌گذارد.

۲-۲ طراحی و ایجاد کالبد فضا: این حوزه را می‌توان شامل فعالیت‌های متخصصین و مشاورین شهرسازی و برنامه‌ریزی شهری در نظر گرفت.

۳-۲ مدیریت و کنترل فضا: این حوزه را می‌توان شامل فعالیت‌های مدیریت شهری و دولت و حاکمان فضا در راستای تنظیم، سازمان‌دهی، نگهداری و سرمایه‌گذاری و

اعمال سلطه و نفوذ در نظر گرفت. محدودسازی یا خصوصی‌سازی فضاهای عمومی توسط نیروهای مسلط به فضا که از طرق مختلف بر فضا اعمال می‌گردد و ایجاد محدودیت زمانی و فضایی در استفاده از فضا و خدمات شهری و یا اعمال ضوابط و اجبارهای پوشش خاص یا جنسیت در فضا و.. نمونه‌هایی از این موضوع می‌باشد. کنترل و مالکیت فضا مفهومی اقتصادی سیاسی است با توجه به ریشه‌های مارکسیستی نگرش لوفور، اقتصاد و جریان تولیدی تعیین‌کننده سیاست‌های شهری و بهره‌گیری‌های فضایی به اشکال گوناگون است؛ لوفور و پس از او ساندرز (۱۹۸۹)، کاستلز (۱۹۸۰) و هاروی (۱۹۹۱) هر یک به شیوه مختلف و با تأکید بر وجه خاصی از مسئله فضا، به مسئله کنترل و مالکیت فضا توجه کرده‌اند، مصرف مناطق خوش آب‌وهوا به‌وسیله طبقات بالای جامعه، به دلیل روندهای جاری در قیمت زمین و مسکن و تجمع تسهیلات فراغتی در مناطق به اصطلاح بالاشهری که امکان سوددهی و تضمین بازتولید سرمایه را تأمین می‌کند، یکی از مصداق‌های کنترل و مالکیت شهری به‌وسیله طبقات بالادست و نیروهای مسلط بر فضا است می‌توان الگوی مشابهی برای کنترل و مالکیت فضاها برحسب میزان عاملیت و کنشگری در قالب شیوه‌های حضوری متفاوت در فضاهای عمومی شهری به دست آورد. جدول (۲) معیارها و شاخص‌های سنجش قدرت را که گردآوری و تدقیق شد ارائه می‌دهد.

جدول ۲: معیارها و شاخص‌های سنجش قدرت کنشگران تولید فضا

معیارهای سنجش قدرت کنشگران	بعد	شاخص	سنجه
دسترسی به منابع قدرت	رسمی	میزان دسترسی به مراجع قانون‌گذاری	جایگاه در نظام یا سیستم قانون‌گذاری
	غیررسمی	میزان لابی‌گری دسترسی به رانت اطلاعاتی	جایگاه در نظام یا سیستم تصویب
میزان تأثیرگذاری در فضا	تعمیر	تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و مقررات	جایگاه در شبکه روابط اجتماعی موجود (شاخص مرکزیت-تعداد ارتباطات با سایر اعضای شبکه)
	تصویب طرح	وجود (یا عدم وجود) نماینده در مراجع قانونی	جایگاه در نظام یا سیستم تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و مقررات
	اجرای طرح	وجود (یا عدم وجود) پیمانکار و...	وجود نماینده در مراجع قانونی وجود پیمانکار و...
میزان حضور یا مشارکت در فضا	پس از اجرای طرح	تغییرات در طرح مصوب	اعمال نفوذ یا توانایی ایجاد تغییرات در طرح مصوب در زمان اجرا
	مالکیت	میزان مالکیت	درصد از فضای تولیدشده بر اساس منافع و اهداف یا مالکیت
	استفاده از فضا یا مصرف فضا	تغییر و اختصاص دهی فضا به خود-استفاده از فضا- مدیریت و کنترل فضا	

(مأخذ: نگارندگان با بررسی متون و آرای پژوهشگران و صاحب‌نظران، ۱۴۰۰)

وزن‌هایی است که در مرحله ۲ از مقایسات زوجی حاصل شد؛

(۵) ایجاد سوپر ماتریس موزون: بعد از ایجاد سوپر ماتریس اولیه، سوپر ماتریس موزون ایجاد گردید؛

(۶) ایجاد سوپر ماتریس حدی: سوپر ماتریس موزون را باید به توان بی‌نهایت رساند تا هر سطر آن به عددی همگرا شود. و آن عدد وزن آن معیار یا زیرمعیار و یا گزینه است.

برای تحلیل ANP از نرم‌افزار سوپردسیژن (Super decision) که از نرم‌افزارهای معروف در زمینه تصمیم‌گیری چند معیاره است که به حل مدل‌های AHP و ANP می‌پردازد، استفاده شد. مراحل پیاده‌سازی ANP به صورت خلاصه در شکل (۱) آورده شده است. در این پژوهش، نرخ ناسازگاری در تمام ماتریس‌ها، کمتر از ۰،۱ بود. از این رو، ماتریس‌ها سازگار هستند.



شکل ۲: مراحل پیاده‌سازی ANP

جدول ۳: مقادیر ترجیحات برای مقایسات زوجی (امتیازدهی ساعتی)

مقدار عددی	ترجیحات
۹	کاملاً مرجح یا کاملاً مهم‌تر یا کاملاً مطلوب‌تر
۷	ترجیح یا اهمیت یا مطلوبیت خیلی قوی
۵	ترجیح یا اهمیت یا مطلوبیت قوی
۳	کمی مرجح یا کمی مهم‌تر یا کمی مطلوب‌تر
۱	ترجیح یا اهمیت یا مطلوبیت یکسان
۲ و ۴ و ۶ و ۸	ترجیحات بین فواصل فوق

روش ANP یا Analytic Network Process (فرایند تحلیل شبکه)، از روش‌های معروف تصمیم‌گیری چند معیاره است. روش جامع و قدرتمندی را برای تصمیم‌گیری دقیق با استفاده از اطلاعات تجربی و یا قضاوت‌های شخصی هر تصمیم‌گیرنده در اختیار و با فراهم کردن ساختاری برای سازماندهی معیارهای متفاوت و ارزیابی اهمیت و ارجحیت هر یک از آنها نسبت به گزینه‌ها، فرایند تصمیم‌گیری را آسان می‌کند. با این تفاوت آن با روش AHP که دارای روابط داخلی بین معیاری و ... است بنابراین یک شبکه را به وجود می‌آورد که برای تحلیل آن نیازمند پرسشنامه ANP یا پرسشنامه تحلیل شبکه هستیم. بعد از تکمیل پرسشنامه ANP باید اوزان مقایسه زوجی را به دست آورد و در سوپر ماتریس قرار داد تا وزن نهایی محاسبه شود. پرسشنامه این روش نیز همانند روش AHP روایی و پایایی ندارد و تنها شامل نرخ ناسازگاری است. ANP با استفاده از نرم‌افزار Super Decisions پیاده‌سازی می‌شود.

گام‌های انجام‌شده در روش ANP: جهت پیاده‌سازی و انجام تحلیل شبکه (ANP) گام‌های زیر اجرا گردید:

(۱) ساختن نمودار شبکه‌ای پژوهش: در این گام مساله را به سطوح معیار و زیرمعیارها (شاخص‌ها) تقسیم کرده و روابط بین آنها تعیین گردید. نکته بسیار مهم در این گام وجود روابط بین معیاری است این روابط از طریق پرسش از خبرگان مشخص گردید؛

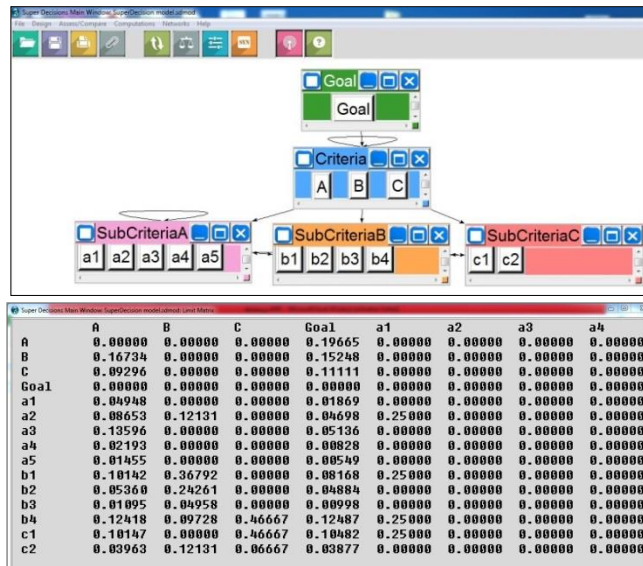
(۲) تشکیل ماتریس مقایسات زوجی: در این مرحله عناصر هر سطح نسبت به سایر عناصر مربوط خود در سطح بالاتر به صورت زوجی مقایسه شده و ماتریس‌های مقایسات زوجی تشکیل شدند. همچنین در انتها مقایسه زوجی روابط درونی نیز تشکیل گردید. این مقایسات زوجی توسط طیف ۹ تایی آقای ساعتی (جدول ۳) توسط خبرگان پاسخ داده شد؛

(۳) محاسبه نرخ ناسازگاری: در این گام نرخ ناسازگاری ANP محاسبه گردید. چنانچه این نرخ از ۰،۱ کمتر باشد نشان از سازگاری ماتریس است. به این نرخ ناسازگاری، پایایی پرسشنامه مقایسه‌های زوجی گفته می‌شود؛

(۴) تشکیل سوپر ماتریس اولیه: با استفاده از وزن مقایسات زوجی به دست آمده سوپر ماتریس اولیه تشکیل داده شد. سوپر ماتریس اولیه، همان

جدول ۴: وزن نرمال شده معیارها و شاخص‌ها با نرم‌افزار

Normalized By Cluster	Name
0	Goal
0.42727	A
0.33131	B
0.24142	C
0.14289	a1
0.35917	a2
0.39261	a3
0.06332	a4
0.042	a5
0.30779	b1
0.18406	b2
0.03762	b3
0.47054	b4
0.73001	c1
0.26999	c2



شکل ۳: تشکیل نمودار شبکه‌ای

جدول ۵: نمونه‌ای از ماتریس مقایسات زوجی شاخص‌ها

B	b1	b2	b3	b4	Normalized
b1	1	3	5	5	0.543896285
b2	0.333333	1	5	3	0.270550596
b3	0.2	0.2	1	0.333333	0.063640562
b4	0.2	0.333333	3.000003	1	0.121912557

Inconsistency 0.07418

معیارهای قدرت کنشگران (۰،۴۲۷) است. از میان شاخص‌های این معیار نیز شاخص دسترسی به مراجع تصویب‌کننده و همچنین لابی‌گری دارای بالاترین وزن و اثرگذاری در بین شاخص‌ها قرار دارند.

وزن معیارها و شاخص‌های سنجش قدرت بر اساس تحلیل شبکه‌ای در جدول (ارائه شده است). با توجه به نتایج به دست آمده، معیار دسترسی به منابع قدرت دارای بیشترین وزن و اثرگذاری در بین

جدول ۶: وزن معیارها و شاخص‌های سنجش قدرت بر اساس تحلیل شبکه‌های ANP-خروجی نرم‌افزار SuperDecision

معیارهای سنجش قدرت		میزان تأثیرگذاری در فضا		میزان حضور یا مشارکت در فضا	
		وزن معیار			
		۰.۴۲۷۲۷		۰.۲۴۱۴۲	
شاخص‌های سنجش قدرت					
منابع رسمی	منابع غیررسمی	تهیه طرح	تصویب طرح	اجرای طرح	پس از اجرای طرح
میزان رسمی	میزان لایه‌گری	قدرت چانه‌زنی (قدرت ادغام عضوگیری، اقتناع و بسیج)	تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و مقررات	(عدم) وجود نماینده در مراجع قانونی	تغییرات در طرح مصوب
میزان دسترسی به اسناد و مراجع قانون‌گذاری	میزان دسترسی به مراجع تصویب	دسترسی به رانت اطلاعاتی	میزان لایه‌گری	میزان دسترسی به اسناد و مراجع قانون‌گذاری	میزان مالکیت
۰.۱۴۲۹	۰.۳۵۹۰	۰.۳۹۳۰	۰.۰۶۳۳	۰.۰۳۷۶۲	۰.۰۷۳۰
۰.۲۶۹۹	۰.۲۶۹۹	۰.۰۴۲	۰.۰۳۰۷۸	۰.۱۸۴۰	۰.۲۶۹۹

(نگارندگان، ۱۴۰۰)

جدول ۷: اندازه‌گیری میزان قدرت کنشگران تولید و بازتولید فضای شهری بر اساس معیارها و شاخص‌های قدرت

معیارهای سنجش قدرت		میزان دسترسی به منابع قدرت		میزان تأثیرگذاری در فضا		میزان حضور یا مشارکت در فضا	
		وزن = ۰.۴۲۷۲۷		وزن = ۰.۳۳۱۳۱		وزن = ۰.۲۴۱۴۲	
شاخص‌های سنجش قدرت							
منابع رسمی	منابع غیررسمی	تهیه طرح	تصویب طرح	اجرای طرح	پس از اجرای طرح	میزان مالکیت	میزان حضور یا مشارکت در فضا
میزان رسمی	میزان دسترسی به اسناد و مراجع قانون‌گذاری	میزان لایه‌گری	دسترسی به رانت اطلاعاتی	قدرت چانه‌زنی (قدرت ادغام عضوگیری، اقتناع و بسیج)	تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و مقررات	(عدم) وجود نماینده در مراجع قانونی	تغییرات در طرح مصوب
میزان دسترسی به اسناد و مراجع قانون‌گذاری	میزان دسترسی به مراجع تصویب	میزان لایه‌گری	دسترسی به رانت اطلاعاتی	قدرت چانه‌زنی (قدرت ادغام عضوگیری، اقتناع و بسیج)	تصمیم‌گیری، سیاست‌گذاری، تدوین ضوابط و مقررات	(عدم) وجود نماینده در مراجع قانونی	تغییرات در طرح مصوب
۰.۱۴۲۹	۰.۳۵۹۱۷	۰.۳۹۳۶	۰.۰۶۳۳	۰.۰۳۷۶۲	۰.۰۷۳۰	۰.۲۶۹۹	۰.۲۶۹۹
۰.۲۶۹۹	۰.۲۶۹۹	۰.۰۴۲	۰.۰۳۰۷۷۹	۰.۱۸۴۰	۰.۲۶۹۹	۰.۲۶۹۹	۰.۲۶۹۹

(نگارندگان، ۱۴۰۰)

تأثیرگذار شناسایی شده در تولید یا بازتولید فضای شهری موردنظر در ردیف‌های جدول (۷) وارد می‌گردد. برای هر خانه‌ی جدول در آن ردیف وزن معیار مربوطه در وزن شاخص مربوطه ضرب می‌شود و عدد حاصل، در عددی که برای آن خانه برای کنشگر مربوطه آن ردیف از طریق طیف لیکرت از خبرگان به دست آمده ضرب می‌شود. امتیاز تمام خانه‌های آن ردیف با هم جمع شده و عدد نهایی، اندازه قدرت کنشگر آن ردیف خواهد بود. این فرایند برای هر کنشگر در هر ردیف تکرار شده و بدین ترتیب میزان قدرت تمام کنشگران تعیین می‌گردد. جدول (۸) جزئیات روش‌شناسی ارائه‌شده را نشان می‌دهد.

برای سنجش میزان قدرت کنشگران و رسیدن به میزان قدرت هر کنشگر، از معیارها و شاخص‌های ایجاد قدرت که به صورت اسنادی از طریق بررسی متون و نظرات صاحب‌نظران و گردآوری از طریق مصاحبه‌های نیمه ساخت‌یافته با متخصصین رشته شهرسازی در حوزه علمی و اجرایی به دست آمد بهره گرفته شده است و این شاخص‌ها با روش ANP ارزش‌دهی شده و وزن هر کدام از معیارها و شاخص‌ها مشخص شده است. با جمع‌بندی مجموع امتیازات شاخص‌های قدرت هر کنشگر می‌توان به میزان قدرت آن کنشگر دست‌یافت. به عبارت دقیق‌تر، در این روش پیشنهادی، برای اندازه‌گیری میزان قدرت کنشگران تولید یک فضای شهری مدنظر، نام کنشگران

جدول ۸: جزئیات روش‌شناسی پژوهش

هدف پژوهش	رویکرد پژوهش	روش پژوهش	روش گردآوری داده	نحوه نمونه‌گیری و نوع داده	روش و ابزار تحلیل داده
سنجش میزان قدرت کنشگران تولید فضا	قیاسی	ترکیبی (کیفی- کمی)	در مرحله تعیین معیارها و شاخص‌ها: مصاحبه و اسنادی. در مرحله وزن دهی: پرسشنامه	نمونه‌گیری به روش گلوله برفی	فرایند تحلیل شبکه‌ی ۱۶ (ANP) با بهره‌گیری از نرم SuperDecision

(نگارندگان، ۱۴۰۰)

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تحلیل روابط قدرت کنشگران بدون اندازه‌گیری و سنجش میزان قدرت هر کنشگر، تحلیلی دقیق و منطبق بر واقعیت موجود نخواهد بود. از این‌رو برای درک بهتر و شناخت کامل‌تر روابط قدرت و میزان تأثیرگذاری هر کنشگر در تولید فضای شهری، تصمیم‌سازان یعنی برنامه‌ریزان شهری (شهروندان) نیاز دارند که با شاخص‌های کاربردی به اندازه‌گیری میزان قدرت هر کنشگر پرداخته و میزان اثرگذاری واقعی هر عامل و هر کنشگر را شناسایی نموده و در تصمیم‌سازی‌های خود، اندازه قدرت هر کنشگر و تأثیری که در برنامه‌ها دارد را موردتوجه و عمل قرار دهند. برای داشتن یک اندازه‌گیری قابل‌اعتماد و صحیح، قدم اول انتخاب معیارها و شاخص‌های مناسب و صحیح می‌باشد، بر مبنای نظر متخصصین و خبرگان از نظر اهمیت، معیار دسترسی به منابع قدرت دارای بیشترین وزن و اثرگذاری در بین معیارهای قدرت کنشگران (۰،۴۲۷) است و معیارهای میزان تأثیرگذاری در فضا و میزان مشارکت و حضور در فضا، در رده بعدی اهمیت قرار دارند. از میان شاخص‌های این معیار نیز شاخص دسترسی به مراجع تصویب‌کننده و همچنین لابی‌گری دارای بالاترین وزن و اثرگذاری در بین شاخص‌ها قرار دارند.

این پژوهش در راستای توسعه روش‌شناسی انجام تحلیل‌های روابط قدرت کنشگران تولید فضای شهری انجام شد و با ارائه مجموعه معیارها و شاخص‌ها، روشی برای سنجش میزان قدرت کنشگران تأثیرگذار در این مبحث ارائه گردید. به عبارتی همان‌طور که اشاره شد میشل فوکو، فیلسوف بزرگ و پرچمدار اصلی مبحث قدرت، که با انعطاف‌پذیری کم‌نظیر ناشی از شخصیت فوق‌العاده جالب و عجیب، چرخش‌های فراوانی در دیدگاه‌های خود در طی سال‌های پژوهشی خود داشته است و افراد بسیاری از نظرات ایشان بهره گرفته‌اند، شاخص‌هایی برای اندازه‌گیری و سنجش قدرت در اختیار قرار نداده است؛ از این‌رو در این پژوهش تلاش شد تا

شاخص‌ها و روشی اجرایی برای اندازه‌گیری قدرت کنشگران در یکی از مباحث علمی مرتبط با شهر و شهرسازی ارائه گردد. پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های بعدی، این روش و جدول معرفی‌شده برای سنجش و تحلیل قدرت کنشگران تولید فضای شهری در نمونه‌های تولید فضاهای شهری مختلف انجام شود. همچنین تدقیق این جدول بعد از پیاده‌سازی در چند نمونه موردی تولید فضا می‌تواند موضوع پژوهشی دیگر باشد.

قدردانی

این مقاله مستخرج از رساله دکترای نویسنده اول با راهنمایی نویسنده دوم و زنده‌یاد دکتر سید محسن حبیبی و مشاوره دکتر سید محمدرضا خطیبی با عنوان «تحلیل روابط قدرت کنشگران در فرایند بازتولید فضاهای شهری تهران- مورد پژوهشی: اراضی عباس‌آباد تهران» است که این رساله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین انجام شده است. از همه اساتید و کارشناسان محترم بخش خصوصی و دولتی و نیمه عمومی که در انجام این پژوهش با نظرات سازنده خود یاریگر بودند قدردانی می‌گردد.

منابع و مآخذ

- ادل، ماتیو. (۱۳۸۰). اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای. ترجمه فریبرز رئیس‌دانا. تهران: نشر قطره.
- اسحاقی، سید حسین. (۱۳۸۴). نگاهی به پدیده رانت و رانت جویی در ایران، فصلنامه رواق اندیشه، شماره ۴۵ صص ۲۱-۳۲.
- بلاملی، نیکلاس. (۱۳۹۷). قلمرویی شدن مالکیت زمین: فضا، قدرت و پریکتیس. ترجمه همن حاجی میرزایی، فضا و دیالکتیک، شماره ۹، پاییز ۱۳۹۷.
- موسویان شریف زاده، سید مجتبی. (۱۳۹۲). مطالعه نحوه تأثیر قدرت بر فضاهای عمومی شهری. نمونه موردی: پارک‌های شهر تهران در ۵ دهه اخیر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرسازی طراحی شهری،

- space, Published online: 2 March 2018 Macmillan Publishers Ltd., part of Springer Nature 2018, Urban Des Int (2019) 24:1-3 <https://doi.org/10.1057/s41289-018-0062-3>
- Hunter, A. and Staggenborg, S. (1988). Local communities and organized action, in C. Milofsky (ed) Community Organizations, Oxford University Press.
- Lefebvre, H. (2000). The right to the city. New York Rizzoli: Architecture Culture.
- Lefebvre, H. (1991). The production of space. Oxford: Blackwell.
- Latour, B. (1992). One more turn after the social turn... in M. McMullin (ed.) The Social Dimension of Space, Notre Dame, IN: University of Notre Dame Press.
- Galbraith, J. K. (1983). The Anatomy of Power. Boston: Houghton Mifflin.
- Gasper, D., & Apthorpe, R. (1996). Introduction: Discourse Analysis and Policy Discourse. *The European Journal of Development Research*, 8(1), 1 - 15.
- Kärholm, Mattias. (2007). The Materiality of Territorial Production: A Conceptual Discussion of Territoriality, Materiality, and the Everyday Life of Public Space. Lund University. First Published November 1, 2007 Research Article. <https://doi.org/10.1177/1206331207304356>.
- Mashhadi Moghaddam, N. Rafieian, M. (2019). Tears and smiles in the urban protests against local decisions: searching for footprint of power in urban management (Evidence from Tehran). *Heliyon* 5 (2019) e01214. doi: 10.1016/j.heliyon.2019. e01214.
- Parent, M., & Deephouse, D. (2007). A Case Study of Stakeholder Identification and Prioritization by Managers. *Journal of Business Ethics*, 75(1), 1-23.
- دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز. دانشکده هنر معماری شهرسازی.
- فارابی اصل، نیر. (۱۴۰۰). تبیین روابط قدرت کنشگران تولید و بازتولید فضای شهری تهران- نمونه اراضی عباس‌آباد، رساله دکترای شهرسازی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین.
- فارابی اصل، نیر، رفیعیان، مجتبی، خطیبی، سید محمدرضا. ۱۴۰۰. تبیین روابط قدرت کنشگران در تولید و بازتولید فضاهای شهری با تاکید بر اراضی عباس‌آباد تهران. فصلنامه مطالعات محیطی هفت حصار. همدان. شماره ۳۷. پاییز.
- هیلیر، جین. (۱۳۸۸). سایه‌های قدرت (حکایت دوراندیشی در برنامه‌ریزی کاربری اراضی)، ترجمه کمال پولادی، تهران: جامعه مهندسان مشاور ایران کنگ، استوار. آر. (۱۳۸۳). چهارچوب‌های قدرت، مترجم: مصطفی یونسی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- کاظمیان، غلامرضا. (۱۳۸۳). تبیین رابطه ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان‌یابی فضا-تلاش برای طراحی مدل نمونه منطقه کلان‌شهری تهران- رساله دکترای، دانشگاه تربیت مدرس. تهران.
- کاظمیان، غلامرضا، جلیلی، سید مصطفی. ۱۳۹۴. تحلیل قدرت ذی‌نفعان کلیدی در فرایند سیاست‌گذاری طرح جامع تهران (۱۳۷۸-۱۳۹۰)، دو فصلنامه دانشگاه هنر، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۱۵، زمستان
- کاوایی راد، مراد (۱۳۹۴). رویکردی نو در بازتعریف جغرافیای سیاسی. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، شماره ۳، پاییز
- هودسنی، هانیه. (۱۳۹۴). مدیریت بازآفرینی شهری با تأکید بر فرآیندهای حکمروایی محلی-نمونه موردی: شهر تهران. رساله دکترای شهرسازی. دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس.
- Callon, M. (1986). Some elements of a sociology of translation. In J. Law (ed) Power, Action, Belief: A New Sociology of Knowledge? London: RKP.
- Cressman, Darryl. (2009). A Brief Overview of Actor-Network Theory: Punctualization, Heterogeneous Engineering & Translation", ACT Lab/Centre for Policy Research on Science & Technology (CPROST), School of Communication, Simon Fraser University.
- Haas, Tigran & W. Mehaffy, Michael. (2019). Introduction: the future of public

یادداشت‌ها

¹ UN-Habitat

^۲ در فرهنگ فارسی عمید، «قدرت» به معنای «توانستن» و «توانایی داشتن» آمده است (۱۳۸۹). این واژه در زبان انگلیسی با «power»، در فرانسوی با «puissance» و در آلمانی با «macht» برابر است (کاظمی، ۱۳۶۹: ۳۱).

³ Parsons

⁴ Lukes

⁵ Giddens

⁶ Foucault

⁷ Clegg

⁸ Morriss

^۹ می‌توان گفت رانت عبارت است از درآمدی خارج از عرصه فعالیت‌های مولد اقتصادی که به لحاظ مفهومی، امکان سرایت به حوزه‌های دیگر را نیز دارد. رانت در ساده‌ترین معنا، سوء استفاده

از فرصت‌ها و امکانات جامعه است. رانت به ثروت بادآورده و به هر پرداختی گفته می‌شود که بیشتر از ارزش واقعی محصول یا خدمت باشد. و رانت جویی عبارت است از جست و جو برای دست یافتن به این درآمد مازاد.

^{۱۰} در تقسیم اولیه، رانتها به انواع گوناگونی تقسیم می‌شوند که مهمترین آنها عبارتند از:

(۱) رانت قضایی: رانت قضایی را باید در دو محور دولتی و خصوصی بررسی کرد.

(۲) رانت اطلاعاتی: یکی از راه‌های به دست آوردن ثروت‌های بادآورده، آگاهی از اطلاعات اقتصادی یا افشای آنهاست.

(۳) رانت خواری مؤسسات به اصطلاح خیره.

(۴) رانت جهش قیمتی یا تورمی (اسحاقی، ۱۳۸۴).

^{۱۱} -ادل، ماتیو، ۱۳۸۰، «اقتصاد سیاسی شهری و منطقه‌ای»، سلسله انتشارات نشر قطره، تهران، ترجمه فریبرز رئیس‌دانا.

^{۱۲} برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به (هیلیر، ۱۳۸۸)

^{۱۳} گالبرایت (۱۳۸۱) سه منبع برای قدرت مطرح می‌نماید: * شخصیت (که در بردارنده ویژگی‌های جسمانی، فکری و بیانی است)

* مالکیت (که شامل ثروت یا منابع طبیعی است و البته درآمدهای مربوط به آن را هم شامل می‌شود)

* سازمان (که مهم‌ترین منبع قدرت در جهان مدرن است)

(گالبرایت، ۱۳۸۱: ۱۱-۱۲) به نقل از (کاویانی‌راد، ۱۳۹۴).

¹⁴ Social Beings

^{۱۵} افراد در شهر حق و حقوقی دارند مانند حقوق مدنی (آزادی فردی، آزادی بیان، آزادی تفکر و دین، حق مالکیت داشتن، انعقاد قرارداد، حق دسترسی به فضاها و...) حقوق سیاسی (مشارکت در روندهای سیاسی، حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن) حقوق اجتماعی (طیف کاملی از رفاه و امنیت، حق به دست گرفتن پست‌های بالای مدیریتی، مشارکت در تصمیم‌گیری‌های شهری و اجرای این تصمیمات، زندگی کردن مطابق با استانداردهای رایج و غالب در جامعه به شیوه موجودی متمدن) حق مشارکت (تدوین حقوق در عرصه‌های خصوصی توسط دولت خواه در بازار یا سازمان‌های دولتی است) و غیره. براساس نگاه لوفور، حق به شهر برای تمام افراد وجود دارد چه شهروند رسمی باشند و چه غریبه. لوفور دو حق را در حق شهری باز می‌شناسد: ۱- حق اختصاص دادن به خود: حق استفاده کامل از فضای شهری در زندگی روزمره، حق زندگی کردن، بازی کردن، کارکردن، استفاده از فضاها. ۲- حق شرکت کردن: حق این‌که ساکنان شهر در تصمیم‌گیری‌های مربوطه به فضاهای شهری در هر سطحی از تصمیم‌گیری که باشد دخیل باشند.

اختصاص دهی شهر به خود که در نظریه لوفور نقش مهمی بازی می‌کند عبارت است از امکان بهره‌مندی از خدمات و فضاهای شهری و استفاده کردن از آن‌ها طوری که ارزش مبادله‌ی فضاها با ارزش مصرف، جایگزین شود عواملی که در میزان اختصاص دهی شهر به خود تاثیرگذار هستند میزان «کنترل و مالکیت»، «سرزندگی شهری» و «سهام فیزیکی» از فضاهای شهری است.

¹⁶ Analytical Network Process (ANP)